



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده سی حقوق و علوم سیاسی

جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل

عنوان پایان نامه

تأثیر جریان های دینی بر روند دولت سازی در خاورمیانه (۱۹۲۰-۱۹۵۰)

استاد راهنما

جناب آقای دکتر حسین سلیمی

استاد مشاور

جناب آقای دکتر غلامعلی چگنی زاده

نگارش

سارا حیدری

زمستان ۱۳۹۰

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|--|
| ۶ | فصل اول: کلیات..... |
| ۷ | چکیده تحقیق و کلید واژگان..... |
| ۸ | ضرورت و اهمیت تحقیق..... |
| ۹ | بیان مسأله..... |
| ۱۱ | سؤال و فرضیه اصلی..... |
| ۱۱ | تعریف مفاهیم تحقیق..... |
| ۱۸ | شاخص های متغیر مستقل و وابسته..... |
| ۱۹ | مروری بر ادبیات..... |
| ۲۳ | روش تحقیق..... |
| ۲۴ | اهداف تحقیق..... |
| ۲۴ | سازماندهی تحقیق..... |
| ۲۶ | فصل دوم: چارچوب نظری..... |
| ۲۷ | ضرورت و اهمیت به کارگیری چارچوب نظری..... |
| ۲۹ | نظریه سازه انگاری و مفاهیم اصلی این نظریه..... |
| ۳۴ | انگاره..... |
| ۳۵ | هویت..... |
| ۳۸ | ارتباط میان هویت و منافع..... |

| | |
|-----|---|
| ۳۹ | فرهنگ و ساختار..... |
| ۴۳ | دولت..... |
| ۴۴ | نظریه اجتماعی، معناگرایی و کل گرایی..... |
| ۴۵ | کارگزار..... |
| ۴۶ | انواع شناخت..... |
| ۴۹ | فصل سوم: نقش قدرت های بزرگ در روند دولت سازی در خاورمیانه..... |
| ۵۲ | سیر تاریخی تحولات خاورمیانه با تاکید بر روند دولت سازی..... |
| ۶۸ | واکنش جریان های دینی به اقدامات قدرت های بزرگ و هویت این جوامع..... |
| ۷۳ | تلقی و منافع قدرت های بزرگ(ساختار - کارگزار)..... |
| ۷۵ | جمع بندی فصل |
| ۷۸ | فصل چهارم: بر ساخته شدن اسرائیل..... |
| ۸۰ | دین یهود..... |
| ۸۲ | پیشینه تاریخی..... |
| ۹۰ | جریان های دینی..... |
| ۹۲ | هویت یهودی..... |
| ۹۴ | دولت سازی در اسرائیل..... |
| ۹۵ | قانون اساسی و سایر نهادها در اسرائیل..... |
| ۹۶ | احزاب و بازیگران عمده عرصه سیاست در اسرائیل..... |
| ۱۰۱ | کارکرد آئین یهود در اسرائیل..... |

| | |
|-----|--|
| ۱۰۵ |نماد و اسطوره..... |
| ۱۰۵ |اسطوره های شش گانه یهودیان..... |
| ۱۰۷ |جمع بندی فصل..... |
| ۱۰۹ | فصل پنجم: برساخته شدن عربستان |
| ۱۱۱ |پیشینه تاریخی با بررسی تلقی و منافع قدرت های بزرگ..... |
| ۱۱۵ |اقدامات دولت سعودی و وهابیون در روند دولت سازی..... |
| ۱۲۱ |جریان های دینی..... |
| ۱۲۵ |هویت..... |
| ۱۲۸ |نمادها و آموزه های دینی..... |
| ۱۲۹ |جمع بندی فصل..... |
| ۱۳۰ | فصل ششم: برساخته شدن لبنان |
| ۱۳۱ |جوامع دینی لبنان..... |
| ۱۳۴ |پیشینه تاریخی با نگاهی به تلقی و منافع قدرت های بزرگ..... |
| ۱۴۵ |جریان های دینی..... |
| ۱۵۳ |هویت..... |
| ۱۵۵ |کاربرد عاشورا به عنوان آموزه ای دینی..... |
| ۱۵۷ |نگاه اسطوره ای به لبنان..... |
| ۱۵۷ |جمع بندی فصل..... |
| ۱۶۰ | فصل هفتم: برساخته شدن عراق |

| | |
|-----|--|
| ۱۶۲ | ساختار و پراکندگی جمعیتی مذهبی - قومی در عراق |
| ۱۶۲ | شیعیان عراق |
| ۱۶۴ | پیشینه تاریخی با بررسی تلقی و منافع قدرت های بزرگ و اقدامات علمای شیعه |
| ۱۷۸ | جریان های دینی |
| ۱۸۱ | هویت |
| ۱۸۲ | جمع بندی فصل |
| ۱۸۶ | نتیجه گیری |
| ۱۹۶ | کتابنامه |

فصل اول : کلیات تحقیق

چکیده تحقیق

در این پایان نامه به بررسی نقش جریان های دینی بر روند دولت سازی در خاورمیانه که در قالب و تعریفی مشخص با بهره گیری از نظریه سازه انگاری که ونت آن را ارائه کرده پرداخته ایم. آنچه محور اصلی تحقیق می باشد بررسی ۲ متغیر جریان های دینی و روند دولت سازی در خاورمیانه می باشد و آنچه تحت عنوان خاورمیانه از آن نام برده می شود تا مورد ارزیابی قرار گیرد بر اساس بررسی ۴ کشور عراق، عربستان، لبنان و اسرائیل به عنوان نمونه مورد مطالعه است که تا حدود زیادی دربردارنده جریان های اصلی و تاثیر گذار در روند دولت سازی در خاورمیانه است و همچنین در برگیرنده ادیان و گرایش های دینی تاثیرگذار می باشد و شواهدی ارائه شده که نشان می دهد روند دولت سازی در این کشورها تحت تاثیر ساختار مصنوعی و دست ساخته دیگرانی غیر از خودشان قرار گرفته است و از آن زمان تا کنون همواره نوعی بحران در عرصه های مختلف و به شکل های مختلف برای نشانه ای از این عدم تعادل ناشی از برساختگی دولت و هویت و ... در این سرزمین ها سایه انداخته و خود نمایی می کند.

کلید واژگان :

دولت سازی، جریان های دینی، هویت ، سازه انگاری، خاورمیانه

ایمانوئل والر اشتاین در پایان یکی از مقالات خود تحت عنوان ساختار بین دولتی و نظام نو جهانی این طور آورده است:

"ما دعوت شده ایم تا آرمان شهرهای خودمان را بسازیم نه اینکه درباره شان تنها خیال پردازی کنیم. چیزی بنا خواهد شد. اگر در ساختن آن مشارکت نکنیم دیگران آن را برای ما رقم خواهند زد" (ایمانوئل والر اشتاین، ۱۳۸۸: ۲۴۲).

این شاید همان چیزی باشد که به نوعی در کشورهای خاورمیانه رخ داد و سرنوشت این کشورها را از زمان شکل گیری شان تا به امروز این چنین رقم زد و تحت تاثیر ساختار مصنوعی و دست ساخته دیگری غیر از خودشان قرار داد و از آن زمان تا کنون همواره نوعی بحران در عرصه های مختلف و به شکل های مختلف برای نشانه ای از این عدم تعادل ناشی از برساختگی دولت و هویت و ... در این سرزمین ها سایه انداخته و خود نمایی می کند.

ضرورت و اهمیت تحقیق

در این پایان نامه تلاش می شود که به بررسی نقش جریان های دینی بر روند دولت سازی در خاورمیانه که در قالب و تعریفی مشخص ارائه می شود پرداخته شود. نکته در خور توجه که پرداختن به این تحقیق را از دید محقق ضروری می سازد تحولاتی است که در این منطقه طی سال های اخیر و به ویژه زمان حاضر شاهد وقوع آن هستیم و به نظر می رسد ادامه این روند علاوه بر موج درگیری و تنش داخلی و درونی که این کشورها با آن مواجه هستند موجی از تنش و درگیری را به سایر کشورهای منطقه و مناطق پیرامونی آن ها که زمینه ها و ویژگی هایی مشابه این کشورها را از بدو تاسیس خود تجربه کردند سرایت دهد. لذا تحولات جهان امروز و تغییراتی که در عرصه بین المللی در حال وقوع است نیازمند بررسی و ارزیابی دقیقی تری از وضعیت کشورهای این منطقه و سیر حوادث و تحولاتی است که این کشورها از زمان شکل گیری شان که به بعد از جنگ جهانی اول در قرن بیستم باز می گردد، لذا به عنوان امری که نمی توان در جهان امروز آن را نادیده گرفت نیازمند توجه و مطالعه ای عمیق است و برای رسیدن به درک جامعی از شرایط امروز و تحلیل وضع موجود باید به آن ها با نگرشی تاریخی و بسترهایی که منجر به شکل گیری تحولات امروز آنهاست پرداخت. براین اساس شایسته است برای رسیدن به درکی عمیق تر از آنچه در این منطقه در حال وقوع است و برای یافتن راه حلی جهت رفع موانع موجود به مطالعه ای در سیر تحولات تاریخی این کشورها که به بعد از جنگ جهانی اول باز می گردد بپردازیم.

بیان مسئله

آنچه در این پایان نامه محور اصلی تحقیق می باشد بررسی ۲ متغیر جریان های دینی و روند دولت سازی در خاورمیانه می باشد و آنچه تحت عنوان خاورمیانه از آن نام برده می شود تا مورد ارزیابی قرار گیرد بر اساس بررسی ۴ کشور عراق، عربستان، لبنان و اسرائیل به عنوان نمونه مورد مطالعه است که تا حدود زیادی دربردارنده جریان های اصلی و تاثیر گذار در روند دولت سازی در خاورمیانه است و همچنین در برگیرنده ادیان و گرایش های دینی تاثیرگذار می باشد. لذا در کنار پرداختن به تاثیر جریان های دینی بر روند دولت سازی نگاه اجمالی به نقش و تلقی و منافع قدرت های بزرگ در بدو تاسیس این کشورها که زمینه شکل گیری دولت را بر اساس مدلی اروپایی یا گونه ای که تا حدودی تامین کننده اهداف آن ها در منطقه است خواهیم داشت که به نظر می رسد سازگاری چندانی با وضعیت خاورمیانه نداشته است و منجر به بروز مشکل در آینده این کشورها نیز شده است.

به عبارت دیگر مطالعه اسناد تاریخی حاکی از آن است که دخالت قدرت های خارجی در کنار سایر عوامل، به عنوان عامل موثری در پیدایش کشورهای در منطقه خاورمیانه از جمله عراق، لبنان، اسرائیل و... بوده است که بر اساس پیمان ها و توافقاتی که در حین جنگ جهانی اول و پس از آن صورت گرفته قیومیت این سرزمین ها به کشورهای غربی همچون فرانسه و انگلیس واگذار شده است و پس از چندی به واسطه عوامل متعددی از جمله نقش و تاثیر جریان های دینی که موضوع اصلی بررسی این پایان نامه است زمینه تقویت و تسریع یا ممانعت از فرآیند و روند دولت سازی را طی کرده اند.

بیان این مسئله ضروری به نظر می رسد که خاورمیانه از جمله مناطق حساس، مهم و سرنوشت ساز در عرصه بین المللی محسوب می شود که دارای موقعیت ژئواستراتژیک خاصی است تا جایی که از نظر برخی صاحب نظران همچون ژرژ لنجافسکی خاورمیانه به عنوان مرکز عالم اسلام است که بسیاری از اماکن مقدس و مراکز عالی علمی دینی در این خطه قرار دارد و دستورات اسلام و تعالیم فلسفی آن وضع اجتماعی و سیاسی آن را به صورتی خاص درآورده است (لنجافسکی، ۱۳۳۷: ۳). صرف نظر از نوع بیان و تلقی این صاحب نظران در بیان اهمیت منطقه خاورمیانه و صحت چنین گزاره هایی که آن را مرکز جهان اسلام یا ژئواستراتژیک ترین منطقه جهان یا ... می دانند، نمی توان منکر ویژگی های منحصر به فرد این منطقه و ویژگی های ارزشمند آن در ابعاد مادی و غیر مادی شد.

نکته درخور توجه این است که علی‌رغم تنوع مذهبی و دینی که در این منطقه دیده می‌شود هنوز مواردی وجود دارد که مورد توجه و احترام یهودی‌ها، عیسوی‌ها و مسلمانان است و گاه وجود اماکن مشرفه در سرزمین‌هایی همچون فلسطین کانون مشترکی را برای تعدادی از کشورها تشکیل می‌دهد یا در کشوری همچون عربستان به رعایت آداب و سنن اسلام آن چنان متعصب‌اند که همین امر سبب شده که روند تحولات سیاسی و اجتماعی را تحت الشعاع خود قرار دهند، لذا جریان‌های دینی می‌توانند به عنوان عامل و متغیری تاثیرگذار در شکل‌گیری دولت‌ها و روند دولت‌سازی محسوب شوند که بعضاً تاثیرگذاری آنها که از حوزه سیاست داخلی فراتر رفته و به عنوان کنشگرانی موثر در سیاست بین‌الملل قلمداد می‌شوند، بنابراین نیاز به شناخت جریان‌های دینی مستلزم بررسی ریشه‌های تاریخی این کشورهاست که به تحولات سیاسی و اجتماعی آنها طی قرون و دهه‌های گذشته باز می‌گردد که گاه در مقام فقیه و رهبر به عنوان قوی‌ترین عامل تغییر تلقی می‌شدند و گاه در مقام محرکی در جهت تسریع و تقویت آگاهی مردم در جهت تغییر یا احیای هویت دینی آنان برای سامان دادن به وضع سیاسی و اجتماعی موجود و گاه مستقیماً زمام امور را به دست می‌گرفتند و با بسیج مردم مخالفت خود را از وضع موجود نشان می‌دادند.

آنچه روشن است تلاش در جهت ایفای نقشی است که توسط جریان‌ها و نیروهای دینی در روند دولت‌سازی البته با اشکالی متفاوت به چشم می‌خورد. در این اثنا با در نظر گرفتن تنوع دینی و مذهبی که در خاورمیانه قابل مشاهده است، گروه‌ها و فرقه‌ها و احزاب و نیروهای فکری شیعی، سنی، وهابیت، یهودیت و مسیحیت و نهادهایی که این بازیگران به گونه‌ای در آن به فعالیت پرداخته‌اند و نحوه این فعالیت در روند دولت‌سازی بنابر اهمیت آنها در ۴ کشور خاورمیانه (اسرائیل، عربستان، لبنان و عراق) در مقطع زمانی پس از جنگ جهانی اول و از حدود ۱۹۲۰ تا ابتدای دهه ۵۰ میلادی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. از سوی دیگر توجه به این نکته که:

"طی ۴۰ سال گذشته از ۱۴۸ مورد منازعه و جنگ ۴۸ مورد آن در منطقه خاورمیانه رخ داده است" (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۴۴).

نشان می‌دهد که از جمله مؤلفه‌های مورد مناقشه اختلافات قومی و مذهبی است و عامل موثری است که پرداختن به این موضوع را ضروری می‌سازد. آن چه امروز در خاورمیانه قابل مشاهده است نیز تاییدی بر مطالب فوق است. سرایت اعتراضات و تحولات جاری در خاورمیانه که در رسانه‌ها از آن تحت عنوان نسیم بهار خاورمیانه یاد می‌شود سبب شد که در ۲۰ شهریور ماه سال ۱۳۹۰ نخست‌وزیر اسرائیل پس از ایجاد ستاد بحران در نشست خبری خود اعلام کند که: خاورمیانه امروز به صورت تاریخی متزلزل شده و در برابر این زلزله تاریخی

باید مسئولانه رفتار کنیم. وی وضعیت امروز جهان را به نوعی مشابه وضع جنگ جهانی اول خواند. این تنها بخشی از واکنشی است که از سوی سردمداران کشورهای مختلف مطرح شده است و توجه به سیر حوادث گذشته را ضروری می سازد.

از آنچه گفته شد می توان دریافت که علت بررسی و ضرورت طرح این موضوع شناسایی یکی از عوامل تاثیرگذار در روند دولت سازی می باشد با این نگاه که جریان های دینی با گرایش های متفاوت و از میان ادیان مختلفی که در این منطقه وجود دارند به ایفای نقش های خرد و کلان در عرصه داخلی پرداخته اند و در زمان حاضر با گسترش نفوذ آنها در عرصه بین المللی قابل ارزیابی جامع تری می باشند.

سؤال اصلی :

با توجه به اهمیت مسائل مطرح شده سؤال اصلی که این تحقیق درصدد پاسخگویی به آن است از این قرار می باشد :

جریان های دینی چه تاثیری بر روند دولت سازی در کشورهای خاورمیانه (عربستان، اسرائیل، عراق و لبنان) داشته اند؟

فرضیه اصلی :

پاسخ موقتی که به این پرسش داده شده است و درصدد به آزمون گذاشتن آن بر اساس ارائه شواهدی هستم عبارت است از : جریان های دینی در دولت های عربستان و اسرائیل موجب تقویت روند دولت سازی و در دولت های عراق و لبنان موجب شکل گرفتن موانعی در روند دولت سازی شده است.

تعریف مفاهیم تحقیق

با توجه به موضوع مورد بحث که تحت عنوان "تاثیر جریان های دینی بر روند دولت سازی در خاورمیانه" است، در صدد هستیم که به شناسایی جریان های دینی به عنوان متغیر مستقل و روند دولت سازی در خاورمیانه به عنوان متغیر وابسته مبادرت کرده و ضمن بیان اهمیت این عوامل و متغیرها جهت دستیابی به زمینه تحلیل مناسب تر به تعاریفی که به فهم بهتر کمک می کند پردازیم. پیش از تعریف آنچه تحت عنوان دولت سازی به عنوان یکی از مفاهیم اصلی این تحقیق است به تعریف مفاهیمی پایه ای و کلیدی که در این

تحقیق مورد توجه است و در فصول مختلف با آن‌ها سروکار داریم از جمله دولت، خاورمیانه، جریان‌های دینی، هویت، حاکمیت نیز پرداخته می‌شود.

دولت

در مورد دولت تعاریف متفاوتی شده است که به ذکر چند تعریف که روشن‌کننده مفهوم و کارکرد آن است و در این تحقیق از آن استفاده شده خواهیم پرداخت. در کتاب مبانی اندیشه‌های سیاسی در ایران و جهان اسلام این‌طور آمده است که:

"بسیار احتمال دارد که ما واژه دولت را از استاتوس رومی اقتباس کرده باشیم. در اوایل سده شانزدهم ماکیاوولی واژه دولت را به صورت وسیعی در آثار خویش به معنی جدید آن به کار برد. امروزه محققان در مورد چند خصوصیت آن با هم توافق دارند بدین معنی که یک دولت باید شامل جمعیت، سرزمین و حکومت باشد، حکومتی که با نیروی نظامی ویژه مسلح است تا صلح و امنیت را در سرزمین مورد نظر برقرار و حفظ کند و در چارچوب خود نفوذ و اقتدار بسیاری دارد چنان که از کنترل خارجی برکنار و آزاد است" (حلی، ۱۳۸۲: ۹۴).

اگرچه دولت در معنای مدرن آن، که تحت عنوان دولت ملی از آن یاد می‌شود مربوط به اواخر قرن ۱۶می باشد و برخاسته از تحولات جوامع اروپایی است که با گذشت زمان و بر اساس تحولات سایر جوامع به آنها سرایت و زمینه ایجاد آن را فراهم آورده است ولی می‌توان گفت تقریباً اجماع نظری در مورد تعریف پایه‌ای از دولت وجود دارد. در تعریف دیگر از دولت از نظر مارتین وایت منظور از دولت در حالت عادی نهادی برخوردار از حاکمیت است که یگانه سرچشمه اقتدار مشروع به شمار می‌آید (وایت، ۱۳۸۸: ۸). بر این اساس دولت به عنوان یکی از منابع اصلی دربردارنده توزیع قدرت در جامعه و نهاد مشروعی که می‌توان زور را در جامعه به کار گیرد شناخته شده است.

مودلسکی معتقد است که پیدایش دولت ملی به عنوان سازمانی قالب در سیاست جهان به شکلی تدریجی و با آهنگی پیوسته رو به رشد، افزایش یافت تا اینکه در یکصد سال گذشته تقریباً کل جهان تحت پوشش آن قرار گرفته است و این روند باید به زودی متوقف شود. او معتقد است: این روندی است که بهترین نمایش آن نمودار رشد نمایی است که اکنون به بخش هموار خود رسیده است و جا برای فراز و نشیب و نوسانات تصادفی دارد و در کل باید آن را نتیجه اساسی عملکرد نظام جهانی دانست (مودلسکی، ۱۳۸۸: ۱۹۹). وی در مورد نقش هویت ملی معتقد است، هویت ملی هر قدرت جهانی علقه‌های همبستگی را که آن قدرت می‌تواند با غیر اتباعش

ایجاد کند و نیز پیوندهای ارتباطی، آموزشی و فرهنگی که می تواند برای قوت و انعطاف بخشیدن به نظام جهانی برقرار سازد به شدت محدود می سازد. از همین رو خاص نگری در زمینه مسائل سیاسی و اقتصادی موجب می شود که حتی توافقاتی که برای دوطرف سودبخش است سرکوبگرایانه و بهره جویانه به نظر برسد(مودلسکی، ۱۳۸۸: ۲۰۰).

در تعریف دیگری دولت این گونه معرفی می شود: وقتی تراکم و تمرکز ابزارهای اجبار با هم رشد یابد دولتها به وجود آیند، آنها سازمان های جداگانه ای به وجود می آوردند که ابزارهای اصلی اجبار را در داخل قلمروهای مشخص کنترل می کنند و از برخی جهات بر تمامی دیگر سازمان های فعال در آن قلمرو اولویت دارند. تلاش هایی که برای منقاد ساختن همسایگان و شکست دادن رقبای دور دست صورت می گیرد منجر به شکل گیری ساختارهای دولتی به صورت ارتش ها و نیز ستادهای غیر نظامی می شود که وسایل سرپا نگه داشتن ارتش ها را گرد می آورد و کنترل روزمره بقیه مردم غیرنظامی را توسط حکمران سازمان می دهند(تیلی، ۱۳۷: ۱۳۸۸).

دولت ها و در نهایت کل نظام دولت ها تاثیر نیرومندی بر مسیر دگرگونی در پیش گرفته شده توسط هر دولت خاص داشتند. از ۱۰۶۶ تا ۱۸۱۵ جنگ های بزرگ با پادشاهان فرانسه دولت انگلیس را شکل بخشید...از سده ۱۶ به بعد توافقات صورت گرفته در پایان جنگ های بزرگ درست تا جنگ جهانی دوم به شکلی منظم آرایش مرزها و حکمرانان دولت های اروپا را تغییر داد(تیلی، ۱۳۸۸: ۱۴۹). کشمکش و چانه زنی با طبقات مختلف مردم تحت فرمان دولت به صورت بارزی شکل اجتماعی دولت هایی را که در اروپا سربرآوردند تعیین می کرد. برای نمونه شورش های مردمی معمولاً به شکست می کشید ولی هر شورش بزرگی به صورت اتخاذ سیاست های سرکوبگرانه توسط دولت، تجدید آرایش طبقات موافق یا مخالف دولت و توافقات صریحی که حقوق طرف های تاثیر پذیرفته را مشخص می ساخت انگ خود را بر پیشانی دولت ها می گذاشت (تیلی، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

عبدالرحمن عالم در کتاب سیاست دولت را انجمنی سیاسی که در درون مرزهای تعریف شده سرزمین صلاحیت حکمرانی خود را اعمال می کند و با استفاده از مجموعه ای از نهادهای دائمی(نهادهایی که عمومی شناخته می شوند) اقتدارش را به کار می برد تعریف کرده است(عالم، ۱۳۸۹: ۱۳۰). و در نگاه دیگر:

"در سیاست بین الملل، هر دولت یک کشور است. در این معنا، کشور شامل جمعی از مردم است که در یک نظام سیاسی واحد با یکدیگر در تعامل هستند و ارزش های مشترکی دارند"(قوام، زرگر، ۱۳۸۷: ۳۵).

دولت ملت در معنای مدرن آن همواره در یک ارتباط دوسویه تاسیسی و تکوینی نسبت به یکدیگر عمل کرده اند. دولت برای تثبیت و دوام خود به وجود یک ملت و همبستگی و انسجام هر چه بیشتر آن نیاز دارد و ملت نیز برای انباشت بهتر و نهادینه کردن قدرت و حفظ هویت ممتاز و مستقل خود به وجود دولتی نیرومند و توانمند نیازمند است. دولت ملی تصویرگر واحد یا فرآیندی است که در آن هویت ملی منسجمی شکل یافته و کل جمعیت در چارچوب مفهوم ملت و عناصر اساسی آن پیرامون یکسری ارزش ها، نمادها، هنجارها و به ویژه منافع و وفاداری به نهادهای حکومت همگرا باشند (قوام، زرگر، ۱۳۸۷: ۵۰).

دولت سازی

با این تعاریف و توضیحاتی که در مورد شکل گیری دولت و نقش آن داده شد دولت سازی فرآیندی به نظر می رسد که فوکویاما آن را این گونه تعریف می کند: منظور از دولت سازی ایجاد نهادهای جدید حکومتی و تقویت نهادهای موجود است. دولت سازی بر لزوم تغییر در ساختارها و کارکردهای خاص نظام سیاسی از بالا و توسط کشور اجراکننده اشاره دارد. شاید بتوان گفت که بسته به موقعیتی که هر کشور با آن مواجه بوده است دولت سازی فرآیندی همه جانبه است که تلاش برای ایجاد نهادها و قوای ۳گانه و سایر قوا در آن می شود تا زمینه برای سازمان دهی کشور به گونه ای عادلانه و نظام یافته پیگیری شود و با ایجاد نهادها و سازمان های مشروع و جذب نیروهای کارآمد بتوان به نیازهای داخلی (ملی) و خارجی پاسخی مطلوب و مستقل از دخالت هر آنچه "غیر" خوانده می شود داد و کنترل سیاسی کشور را از داخل و توسط نیروهای داخلی به دست گرفت.

به طور کلی تعاریفی که از دولت سازی ارائه شده است بر اساس و منطق تاریخی جوامع اروپایی بوده است، لذا کارویژه دولت از ریشه های تاریخ اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آن ها برآمده است و آنچه که بنیان دولت مدرن را تشکیل می داده است از بنیاد جامعه مدنی اروپایی سربرآورده است. بنابراین آنچه دولت سازی در خاورمیانه است در قالب معنایی به کار گرفته شده که منطبق با وضعیت تاریخی و اجتماعی و سیاسی خاورمیانه نبوده است و به همین جهت است که هنوز هم در مواردی دولت سازی یا موفق نبوده است، بدین معنا که مطابق با ویژگی های آن منطقه نبوده یا به تثبیت نرسیده است. لذا آن چه تحت عنوان دولت سازی از آن یاد می شود منطبق بر اصول و ارزش هایی است که برخاسته از نیازهای غرب است که با گذشت زمان شکل حقیقی یا اصیل به خود گرفته است. در کتاب دولت سازی در تئوری و در عمل این طور آمده که دولت سازی یکی از زمینه ها و موضوعات مسلط و برجسته روابط بین الملل معاصر است که منطق آن کاوش و اکتشاف و تحلیل

بینش و بصیرت ارائه شده در متن تاریخی است که کاتالیز این فرآیند و روابط میان حقوق بین الملل، عمل اجرایی بین المللی، انشعاب سیاسی و دلالت خارجی مدیریت کشور است (Robinson, 2007:7).

در مقاله نظریه های تشکیل دولت اثر جیان فرانکو پوجی دولت سازی به مجموعه فرآیندهایی اطلاق می شود که بین قرن دوازده تا هجده در اروپای غربی رخ داد و تحولاتی همچون غیرشخصی کردن قانون، رسمیت بخشیدن که به معنای اعمال قانون با استناد به یک سلسله قواعد و انسجام بخشی که دربرگیرنده سایر وجوه فرآیند اجتماعی است و تمایزگذاری در وظایف به همراه بهره گیری از منابع مختلف و نهایتاً سازماندهی از طریق قانون را دربردارد (پوجی، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۲۹). دولت سازی بر اساس تعریف که مرکز توسعه جهانی ارائه کرده عبارتند از:

" ایجاد و تقویت نهادهای لازم برای حمایت از توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بلند مدت." در این تعریف منظور از نهادهای لازم قوه مقننه، نظام های قضایی و کارگزاری های اجتماعی است (قوام، زرگر، ۱۳۸۷: ۲۱۵).

در بحث رهیافت های دولت ملت سازی به عنوان روندی که طی آن یک جامعه سیاسی از طریق انباشت قدرت و توسعه ظرفیت نهادی، خودمختاری، حاکمیت و استقلال خود را کسب، حفظ و ارتقا دهد مطرح شده است. مقصد چنین روندی تکامل هر چه بیشتر دولت (به عنوان سازه نهادی نیرومند) و ملت (به عنوان سازه اجتماعی یکپارچه و دارای هویت واحد) و پیوند و نزدیکی هر چه بیشتر این دو است، به گونه ای که نهایتاً در نگاه بین المللی دولت ملت ساختی در هم تنیده و تجزیه ناپذیر به تصویر درآید، یعنی ملت دولت را از خود و مال خود بدانند (قوام، زرگر، ۱۳۸۷: ۲۲۱). بر اساس آنچه گفته شد می توان دریافت که دولت-ملت سازی روندی درونی است که از سوی نیروهای داخلی باید پیگیری شود و در ارتباط با "دیگری" شکل خواهد گرفت و در جهت انباشت قدرت و ظرفیت سازی است.

خاورمیانه

در مورد خاورمیانه و تعریف حدود و حیطة ای که را شامل می شود تعریف کلی که مورد اجماع همگان باشد وجود ندارد. اما در شرح آن می توان این طور گفت برای اولین بار در ۱۹۰۲ توسط آلفرد ماهان افسر دریایی ایالات متحده به کار برده شد و منظور وی منطقه ای بود بین خاور دور و خاور نزدیک که جز هیچ کدام به شمار نمی آمد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۱۶). پس از آن سیاستمداران انگلیسی تا غرب هند را خاورمیانه نامیدند (براتی، ۱۳۸۸: ۳۴).

"در همان سال ۱۹۰۲ فردی به نام والناتین شیرول با انتشار مقالاتی تحت عنوان خاورمیانه کشورهای غرب هند شامل ایران، افغانستان، خلیج فارس، عربستان و عراق را در محدوده خاورمیانه قرار داد" (بیگدلی، ۱۳۶۸: ۱۶)

در اطلس راهنمای کشورهای جهان خاورمیانه ۱۸ کشور به عنوان کشورهای شکل دهنده این منطقه معرفی می شوند (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۸: ۱). در برخی دایره المعارف ها، خاورمیانه به عنوان منطقه ای مسلمان نشین که از شمال آفریقا تا کرانه خلیج فارس را شامل می شود معرفی شده است. البته اصطلاح خاورمیانه طی جنگ جهانی اول نیز بکار برده شده است.

"در آن زمان نیروهای نظامی به عراق که از طریق هند هدایت می شدند، به نام نیروهای خاورمیانه شهرت یافت و تحت این عنوان از نیروهای خاور نزدیک مستقر در قاهره متمایز می شدند. کزرون پیش از این این اصطلاح را درباره سرزمین های فراتر از محدوده خلیج فارس بکار برده بود. اما کاربرد آن در مضمون گسترده تنها از طریق یک سلسله رویدادها در سازمان نظامی تداوم یافت. در سال ۱۹۳۲، فرماندهی نیروی هوایی سلطنتی خاورمیانه در عراق با فرماندهی نیروی هوایی خاور نزدیک در مصر ادغام شد، اما فرماندهی جدید عنوان خاورمیانه را همچنان حفظ کرد. در آغاز جنگ جهانی دوم، زمانی که کانال سوئز از سوی ایتالیا به مخاطره افتاد و متعاقب آن یک ستاد فرماندهی نظامی در قاهره تشکیل شد، ارتش از نیروی هوایی سلطنتی تبعیت کرد و این ستاد را ستاد کل فرماندهی خاورمیانه نامید. کاربرد پیاپی اصطلاح خاورمیانه در بیانیه ها و در میان افراد نظامی به منظور توضیح وضع منطقه، آن را در میان اقشار وسیعی از مردم فراگیر کرد" (بیومونت، بی تا: ۲)

لذا با توجه به گستردگی منطقه مورد بحث آنچه در اینجا مورد بحث و بررسی قرار داده شده ۴ کشور است که در مورد وجود آنها در دایره تعاریف ارائه شده توافق نظر وجود دارد و چهار کشور که نقش عمده ای را در منطقه ایفا می کنند، لذا از میان حدود ۱۸ کشور مورد نظر ۴ کشور عراق، لبنان، عربستان و اسرائیل به عنوان نمونه انتخاب شده اند تا مورد تحلیل قرار گیرند.

جریان های دینی

جریان های دینی از جمله مفاهیمی است که گستره وسیعی را در می گیرد. منظور از این مفهوم در این تحقیق هرگونه فعالیت فردی، نهادی و سازمان یافته، جنبش و تحرک یا کنشی است که از سوی افراد ذی نفوذ، روحانیون، گروه ها، احزاب و نیروهای سیاسی که گرایش های سیاسی و دینی خاصی را پیگیری می کردند اعم از

رهبران دینی و فقها و مجتهدین و افرادی که در پی کسب قدرت جهت ایجاد دولت در سرزمین مورد نظر خود بودند که گاه همراهی توده مردمی را هم به همراه خود داشته اند مدنظر می باشد. این تعریف با آنچه تحت عنوان بنیادگرایی دینی از آن نام برده می شود و اقداماتی که توسط این افراد انجام گرفته متفاوت است. منظور از بنیادگرایی همان طور که اندرو هیوود در کتاب سیاست از آن یاد کرده است شیوه اندیشیدنی است که در آن برخی اصول "حقایق" مسلم تلقی می شوند که بدون توجه به محتوایشان، اعتباری تغییرناپذیر و فراگیر دارند و به طور معمول با دین و با حقیقت محض متون مقدس مرتبط است و این اصطلاح را اغلب به طور تحقیرآمیزی برای بیان نرمش ناپذیری، جزم اندیشی و اقتدارگرایی به کار می برند (هیوود، ۱۳۸۹: ۹۴). اگرچه برخی معتقدند که بنیادگرایی ریشه در سال های پس از جنگ جهانی اول دارد و در منطقه خاورمیانه و در کشورهای که مورد بحث این تحقیق است شکل گرفته است ولی آنچه بیان می شود نه به عنوان بنیادگرایی که در نظر افکار عمومی است بلکه به عنوان اقدام جمعی و گروهی و یا انفرادی افرادی است که گرایش های دینی خاصی را پیگیری کردند و بر اساس ارزش ها و اهدافی که ترسیم کرده بودند و به واسطه نوع و زاویه نگاهی که به جهان و وضعیت سیاسی و اجتماعی روزگارشان داشته اند به اقداماتی جهت تاثیرگذاری یا تثبیت و تغییر وضع موجود پرداخته اند و در پاره ای موارد موفق به تاثیرگذاری در عرصه و روند دولت سازی شده اند و در مواردی هم ناکام ماندند و موفق به تاثیر در این فرآیند نشدند.

هویت

قبل از تعریف هویت که از جمله مفاهیمی است که دایره معنایی گسترده ای را دربردارد اجمالا به توضیحی درباره آن می پردازیم. هویت از جمله فرآیندهای موثر اجتماعی در قوام بخشیدن و تثبیت دولت ملت در کشورهای مختلف بوده است. چه در میان کشورهایی که روند دولت سازی و ملت سازی را به طور طبیعی طی کرده اند و چه در میان کشورهایی که روند دولت سازی در آن ها به شکل طبیعی رخ نداده و به واسطه دخالت و حضور کشورهایی دیگر شکل گرفته اند، هویت از جمله موارد مورد مناقشه بوده است و همواره به شکلی اهمیت خود را نشان داده است و به هر ترتیب طی گذشت زمان و گذر تاریخی شکل تکامل یافته تری را به خود گرفته است و از اساسی ترین مفاهیم دوران مدرن تلقی می شود که نمی توان آن را نادیده گرفت.

" هویت به لحاظ لغوی به معنای این همانی و کیستی و شناخته شدن یک موجود به اوصاف و ویژگی های خاص است...در واقع هویت شکلی از آگاهی به خود، به جامعه، به فرهنگ، به تاریخ و به آینده است

و معلوم می کند هر شخص برای خود چه خصوصیتی قائل است تا او را با عده ای همانند و از دیگران متمایز می کند" (امینیان، ۱۳۸۵: ۲۰).

دکتر امینیان معتقد است که: هویت به مثابه پدیده ای سیاسی و چند وجهی حاصل فرآیند مستمر تاریخی است که تحت تاثیر شرایط محیطی همواره تغییر می یابد. در دورانی نیز برخی هویت های جعلی توسط قدرت ها و دولت ها رسمیت مبنای ملیت و کشورها قرار می گرفت ولی با هویت ملی بخشی از مردم در تضاد بود. همین امر سبب بحران های متعددی می شد (امینیان، ۱۳۸۵: ۲۵). این نکته بخشی از مسئله ای است که به تفصیل در مورد کشورهای مورد نظر توضیح داده می شود.

"مانوئل کاستلز هویت را این طور تعریف کرده است: فرآیند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی یا یک دسته ویژگی های فرهنگی می داند که بر دیگر منابع معنا برتری دارند. به نظر وی همان گونه که نقش ها کارویژه ها را سازمان می دهند، هویت ها هم معناها را سازمان می دهند" (تاجیک، ۱۳۸۴: ۱۳)

این مفهوم و اهمیت و نقش آن و هویت دینی و ملی در فصل دوم در قالب چارچوب سازه انگاری بیشتر توضیح داده شده است.

شاخص های متغیر مستقل و وابسته :

در این پایان نامه تلاش شده تا مواردی که تحت عنوان شاخص برای هر کدام از متغیرها مطرح شده، در جهت عملیاتی کردن متغیرها و نشان دادن آن ها در عرصه واقعیت باشد و بر اساس مطالعات صورت گرفته و تحت عنوان ملاک هایی که به واسطه آن ها می توان متغیر را به شکلی روشن تر در نظر خواننده معرفی کرد مطرح شده اند.

بر این اساس شاخص های متغیر مستقل (جریان های دینی) عبارتند از:

- ۱- احزاب و نهاد های دینی
- ۲- جنبش ها و نهضت هایی با گرایش های دینی
- ۳- همراهی و فعالیت توده مردم با گرایش های دینی
- ۴- نیروهای فکری تاثیرگذار اعم از رهبران و مجتهدین و نویسندگان

شاخص های متغیر وابسته (دولت سازی)

۱- تدوین قانون اساسی

۲- تاسیس نهادها و قوای سه گانه (نهادهای اجرایی و قضایی و مقننه)

۳- تقویت و تحکیم نهادهای کارآمد موجود

۴- نحوه مدیریت و هدایت جامعه (شکل و اساس حکومت)و...

این شاخص ها به عنوان مؤلفه هایی که بر اساس میزان و شدت تاثیراتی که داشته اند می توانند تاثیر جریان های دینی را در دوره تاریخی مورد نظر نشان دهند تا بخشی از فرضیه مطرح شده را مورد آزمایش و ارزیابی قرار دهند طرح شده اند.

مروری بر ادبیات :

در مورد پیشینه و سابقه پژوهش تا کنون به طور مستقیم تحقیق، پایان نامه و مقاله ای که در بردارنده این محتوا و عنوان باشد ارائه نشده است، لذا عمده منابعی که در دسترس قرار دارد به طور غیرمستقیم و گذرا یا به گونه ای که در بردارنده بخشی از موضوع می باشند موجود می باشد که به تعدادی از آنها با برداشت محقق از آنچه مورد مطالعه قرار گرفته است و بر اساس تقسیم بندی که مورد استفاده قرار گرفته در ذیل اشاره می شود. اگرچه اساس تقسیم بندی منابع بر این مبناست که در ۴ بخش منابع موجود مورد بررسی قرار گرفته اند اما به علت پیوستگی مباحث تاریخی و مواردی که احتیاج به تحلیل نوع روابط موجود در دوره های مختلف تاریخی و در میان گروه های موثر در جوامع بوده است در فصول دیگری هم به آن پرداخته شده است، بنابراین پیوستگی حوادث تاریخی موجب شده تا با دید واحد و یکپارچه ای به رویدادها بدون تفکیک منابع پرداخته شود که در ذیل به برخی از آنها اشاره شده است:

➤ برخی از کتب مورد استفاده صرفا در مورد زمینه های تاریخی شکل گیری کشورهای خاورمیانه می باشد و یا به صورت مجزا در مورد سیرتاریخی هر کشور است که عبارتند از:

▪ تاریخ خاورمیانه اثر ژرژ لنجافسکی که این کتاب بیان و شرح حوادث در دوره زمانی در خاورمیانه است و در بر دارنده داده های تاریخی است که بر اساس آنها می توان تحلیل ارائه کرد البته تحلیل ها صرفا محدود به این کتاب نخواهد بود و در کنار سایر اسناد تاریخی ارائه می شوند.

- کتاب خاورمیانه اثر واگ استاف مالکوم و دیگران است. این کتاب نیز در بردارنده حوادث و رویدادهای تاریخی در مقطع زمانی است که اطلاعاتی را در کنار سایر اسناد تاریخی ارائه می دهد که در جهت شناخت و تحلیل زمینه مناسبی را فراهم می آورد .
- پروین شیردل در کتاب جایگاه دین یهود در نظام سیاسی اسرائیل در چند بخش به بحث پیرامون دین و سیاست در یهودیت و اسرائیل پرداخته است. به عبارت دقیق تر در بخشی که شناخت آن را ضروری می دانسته به بیان مطالبی از عهد عتیق و تورات که دربردارنده علت گرایش یهودیان به این شیوه اعتقادی و رفتاری است پرداخته و سپس ساختار حکومت اسرائیل و میزان نفوذ و جایگاه هر یک از احزاب و فعالان را تا حدودی مطرح کرده است که در بردارنده نگرش دینی و سیاسی یهودیان می باشد.
- همزلی لانگریک استیون در کتاب عراق ۱۹۰۰-۱۹۵۰ (تاریخ سیاسی- اجتماعی و اقتصادی) همان گونه که از عنوان آن مشخص است تاریخ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی عراق را طی نیم قرن بررسی کرده است و در این بین در مواردی هم به شناسایی و بیان نقش، میزان حضور و نفوذ گرایش های دینی در عرصه سیاست و تصمیمات پرداخته است.
- برخی منابع علاوه بر بیان سیر حوادث تاریخی این کشورها به نوع روابط خاورمیانه با قدرت های بزرگ یا وضعیت فعلی در خاورمیانه پرداخته اند که شامل:
 - حمید احمدی در کتاب ریشه های بحران در خاورمیانه علاوه بر توصیف نقش قدرت های خارجی و شرح رخدادهای تاریخی بیشتر متمرکز بر وضعیت اسرائیل و فلسطین است و ریشه های تاریخی و عواملی که منجر به شکل گیری و ظهور گرایش های خاصی در خاورمیانه شده را بررسی کرده است.
 - اصغر جعفری ولدانی در کتاب ریشه های چالش و منازعه در خاورمیانه ضمن معرفی منطقه مورد نظر به بررسی ریشه اختلافات و منازعات که به گذشته بازمی گردد پرداخته و تلاش کرده اسناد و مدارک تاریخی را ارائه دهد که نشان از آن دارد که اختلافات امروز ریشه در گذشته و تاریخ آن دارد .